

درآمدی بر فقه محیط زیست

محسن عمیق

چکیده: حفاظت از محیط زیست از مباحث مهم و کاربردی روزگار است که به پردازش و تحقیق در حوزه های مختلف از جمله فقه اسلامی نیاز دارد. فقه مبنای قوانین اجتماعی و فردی است و از این رو بازشناسی ظرفیت های موجود در منابع فقهی اعم از کتاب، سنت، عقل و اجماع دارای اهمیت است.

برای شناخت این امر سه عرصه مختلف وجود دارد: یکم. مسئولیت همگانی ;

دوم. مسئولیت حاکم اسلامی ;

سوم. احکام و قواعد خاص و عام فقهی.

هر کدام از این سه در نوع خود مهم ترین ابزار حفاظت و جلوگیری از تخریب های محیط زیست است.

کلید واژه ها: فقه، محیط زیست، مسئولیت همگانی، مسئولیت حاکم اسلامی، قواعد فقه، ضمان.

مقدمه

بی شک برای بقای بشر باید به حفاظت از محیط زیست اندیشید. اصطلاح محیط زیست در هیچ یک از کنوانسیون ها، معاهدات و بیانیه های مهم بین المللی تعریف نشده، اما با نگاهی کلی می توان گفت محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیباشناختی اطلاق می شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال نیز کیفیت زندگی بشر اثر گذار است.

اغلب فاجعه های زیست محیطی که هر از گاهی در گوشه و کنار این دنیای پهناور رخ می دهد، حاصل فعالیت هایی است که بشر به ویژه از صد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرایند صنعتی شدن به آنها دست یازیده و همگی باعث تخریب و آلودگی محیط زیست می شود. مدت هاست که علاج این گونه نابسامانی ها که سلامتی بشر را به خطر انداخته، فکر انسان را به خود مشغول داشته و نشست های بین المللی متعددی را شکل داده است.

امروزه بسیاری از کشورها، به سوی توسعه پایدار گام برداشته اند. لازمه هر توسعه پایدار برآوردن نیازهای نسل فعلی است، بی آنکه به زیان رساندن به توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازها انجامد.

از این رو برای ادامه توسعه فراگیر و پایدار ضروری است در سیاست های کلان و خرد اقتصادی و فرهنگی تعدیل هایی صورت پذیرد و در حوزه قانونگذاری، اصول قانونی استوار با ضمانت اجرایی تمام وضع و آموزش های مربوط به حفاظت از محیط زیست فراگیر و عرفی شود، چنان که در بین عامه مردم رواج پیدا کرده باشد و آموزش که مقدمه فرهنگ سازی است، زمینه پیروی مستمر از قوانین محیط زیست را برای عموم مردم فراهم کند. البته عامل اساسی و محکمی که درباره فرهنگ سازی بسیار تأثیرگذار است، باید ها و نبایدهای دین و دستوره های دینی و فقهی اسلام است که مهم ترین عامل ضمانت اجرایی مسلمانان است. از این رو به نظر می رسد می توان میان فقه و محیط زیست تعاملی نقش آفرین ایجاد کرد و برای پیش برد فرهنگ سازی حفاظت محیط زیست از ظرفیت های نهفته در قرآن کریم و سنت معصومان(ع) بهره برد.

درباره شناخت ظرفیت هایی که می توان در فقه اسلامی برای حفاظت از محیط زیست بدانها استناد کرد، به سه حوزه مختلف مسئولیت همگانی، حاکمیت، قواعد و اصول عام و خاص و آن گاه به تبیین رویکرد و اصول مدون در فقه و حقوق اسلامی باید پرداخت:

الف) مسئولیت همگانی در حفظ محیط زیست

نظام اسلامی دیده بانی و مراقبت از یکدیگر را در جامعه با عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می کند و بی تردید محافظت و مراقبت از محیط زیست از شئون زندگی اجتماعی است و از این جهت مشمول این ادله می شود.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ۱

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ ۲

با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان!

علامه طباطبایی (عرف) را چنین معنا می کند:

واژه (عرف) به معنای سنت ها و سیره های زیبایی است که عقلای جامعه آن را می شناسند. در مقابل (عرف) (معروف) رفتارهای نادر و غیر مرسوم است که عقل اجتماعی آنها را بر نمی تابد که به آن در اصطلاح (منکر) گفته می شود. ۳

به طور کلی بر آنچه در نزد عقل و شرع نیکو و پسندیده شناخته شده، در اصطلاح قرآن (عرف) نامیده می شوند که انسان باید پیوسته در جامعه این روش پسندیده را در پیش گیرد و دیگران را به آن دعوت و سفارش کند.

دستور قرآنی (وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ) ۴ و سایر آیات و احادیث در این زمینه تأکیدی است بر اینکه تنها انجام عمل نیک و صالح کافی نبوده، بلکه باید دیگران را به این روش دعوت کرد تا در جامعه عمل صالح گسترش پیدا کند، همگانی شود و در همه جا گسترش یابد.

اگر انسان به قدرت ایمان و علم مجهز نباشد و از طرف دیگر، نظارت سایر انسان های مسئول بر وی ضعیف و سست گردد به آسانی به سوی فساد منحرف می شود که این گونه فسادها می تواند عرصه محیط زیست و بستر حیات انسانی را با بحران و معضلات عدیده ای مواجه سازد. از این رو دعوت مردم به رفتارهای هنجاری زیست محیطی در قالب (امر به معروف و نهی از منکر) ماهیتی زیست محیطی دارد که در حقیقت ضامن اجرای وظایف فردی و اجتماعی در قبال محیط زیست است و در حکم روح و جان آنها محسوب می شود.

از نظر تعالیم الهی، ایستادگی در برابر فساد راز بقای دین و انسانیت تلقی شده است. قرآن کریم تاهی امت های گذشته را نتیجه عدم برخورد خردمندان با فسادانگیزی جامعه می داند:

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ؛ ۵

پس چرا از نسل های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند.

گفتنی است که مراد، فساد تکوینی و آن چیز نیست که در گردش زمان فاسد می شود؛ چون انسان در پاره ای از فسادها دست ندارند، بلکه مراد فسادهای تشریحی است، یعنی فسادی که به دست بشر پدید می آید. از جمله ملموس ترین فسادها درنعمت های خدادادی زمانی رخ می دهد که بشر برای برآوردن خواسته های خود در طبیعت تصرف می کند؛ تصرفی ویرانگر و بدون در نظر گرفتن قوانین حاکم بر طبیعت. البته مبارزه با فساد ابزارهای مناسب خود را می طلبد.

پس ضروری است که مسئله امر به معروف و نهی از منکر که مسئولیتی اجتماعی است و اسلام بر آن تأکید دارد، در رابطه با مسائل زیست محیطی نیز برای جلوگیری از فساد و انحراف و در پیشبرد ارزش های متعالی و سلامت اجتماعی امری جدی تلقی شود و از اهم واجبات و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانسته شود.

لذا در این باره باید موضوع شناسی کرد و فقیهان باید محدوده حریم هر کدام را تفقه کنند.

اصل پنجاهم قانون اساسی صریح ترین حکم قانون گذار اساسی در این زمینه است:

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

(ب) مسئولیت حکومت اسلامی در حفاظت از محیط زیست

بی تردید پروردگار متعال، طبیعت را به تسخیر انسان درآورد تا او از آن بهره بردارد و سود گیرد. آیاتی از قرآن کریم به صراحت بر این نکته تأکید دارند:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛^۶

ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.

از آنجا که زمین و آنچه در آن است، محیط زیست انسان را تشکیل می دهد و جزء نعمت های عمومی است و آسیب به آن کل جامعه را به مخاطره می اندازد، حاکم باید با تمهید قوانین لازم و ضمانت اجرایی آن، به حفظ محیط زیست مبادرت ورزد. همان طور که این روش در سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) وجود دارد و به نظر می رسد این عهد بین خدا و حاکمان برای جلوگیری از فساد در زمین بوده است.

سیره عملی و قولی پیامبر اسلام(ص) بر چگونگی تشویق امت به حفاظت از دنیای طبیعت و تحذیر از فساد در آن و گاه برخورد با عوامل آن دلالت می کند.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: ۷

لا تقطعوا الثمار فیصب الله علیکم العذاب صباً؛^۸

درختان میوه را قطع نکنید؛ زیرا خداوند بر شما عذاب می فرستد.

به نظر می رسد منظور از این نهی، حکومتی بوده که تخلف از آن عذاب الهی را در پی می آورده است.

بنابر روایتی از امام صادق(ع) سیره پیامبر(ص) و امیرمؤمنان(ع) این بوده که علی(ع) با بیل زمین ها را می کند و پیامبر(ص) هسته خرما را با آب دهان تر می کرد و در آن حفره می گذاشت.^۹

حضرت علی(ع) نیز در نامه ای به مالک اشتر، فرماندار مصر می نویسد:

ولیکن نظرک فی عمارة الأرض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج لان ذلك لا یدرک إلا بالعمارة...؛^{۱۰}

ای مالک اهتمام تو به آباد کردن زمین بیش از همت گماردن تو به جمع آوری درآمد باشد؛ چون درآمد بدون آبادانی حاصل نمی شود.

امیرمؤمنان مهم ترین وظیفه حاکم اسلامی را سازندگی دانسته نه فقط انباشتن خزانه کشور. از این رو حال که در نظام جمهوری اسلامی حاکمیت تحت نظر ولی فقیه قرار دارد، ضروری است برای ممانعت از (افساد فی الارض) تمهیداتی اندیشید.

هدف اساسی دولت اسلامی در بخش محیط زیست، تأمین پایداری و استفاده عادلانه و کارآمد از منابع طبیعی و انسانی است. بدین منظور دولت اسلامی، اقدامات متفاوتی را در چهار زمینه اصلی برنامه ریزی، قانون گذاری، نظارت و مالکیت عمومی منابع را به عهده می گیرد. براساس این چهار زمینه مهم ترین وظایف حکومت اسلامی درباره محیط زیست عبارتند از:

۱۰. پی ریزی قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات الهی ;

۱۲. اجرای قوانین مبارزه با مفسدان زمین و تخریب گران طبیعت برای تأمین مصالح عمومی ;

۳. توجه به مسائل محیط زیست و اخلاق زیست محیطی در تعلیم و تربیت اسلامی و فرهنگ سازی زیست محیطی بر اساس تعالیم آسمانی ;

۴. بهره گیری از افراد شایسته در هرم اداری محیط زیست که با قدرت تمام توانایی مقابله با مفسدان را داشته باشند ;

۵. بهره گیری از شیوه های جدید زیست محیطی سازگار با نظام اسلامی ;

۶. بهره گیری از سیاست های کلان اقتصادی و فرهنگی برای توسعه پایدار توأم با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست ;

۷. ترسیم و ارائه راهکارهای انتقال از وضعیت موجود محیط زیست به وضعیت مطلوب آن ;

۸. تلاش برای توانمندسازی محققان و تولید اطلاعات پژوهشی و توسعه مدیریت شبکه ای به منظور ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی و صنعتی و پزشکی و توسعه دانش فناوری های نوین با محوریت محیط زیست.

(ج) احکام و قواعد فقهی

کتاب، سنت، عقل و اجماع چهار منبع اصلی فقه هستند و از ظرفیت های بسیار بالایی برای وضع مقررات حفاظت از محیط زیست برخوردارند.

به طور کلی در دو بخش عام و خاص می توان در این جهت از فقه استعانت جست.

۱۰. مقررات عام

آیات و روایات بسیاری به طور عام، ایجاباً و سلباً احکام محیط زیست را به گونه وجوب، حرمت، استحباب و کراهت، به صورت تکلیفی وضعی بیان می دارند:

یکم. حرمت افساد در زمین

قرآن کریم بارها از فساد کردن در زمین نهی کرده است، از جمله:

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ ۱۱

و در روی زمین بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!

وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ ۱۲

[نشانه آن، این است که] هنگامی که روی برمی گردانند [و از نزد تو خارج می شوند]، در راه فساد در زمین کوشش می کنند و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند [یا اینکه می دانند] خدا فساد را دوست نمی دارد.

از این آیات استفاده می شود که مراد از فساد و افساد، فساد تکوینی نیست؛ چون در پاره ای از فسادها دست کسی دخالت ندارد. عالم کون و فساد و نشئه تنازع در بقا منظور نیست، بلکه مراد از این فساد، فسادهای تشریحی است؛ فسادی که به دست بشر پدید می آید. ۱۳

همان گونه که (و يُهْلِكُ الْوَالِدِينَ وَالْأَوْلَادَ) نیز در مقام بیان یکی از مصادیق افساد در زمین است که عبارت از نابود کردن نوع نبات و نسل موجودات عالم است و چون مطلق آمده، می توان گفت شامل همه نسل های موجودات، حیوانات و گیاهان و جنگل ها و مزارع است و در نوع انسانی اطلاق ندارد. بنابر این می توان گفت از بین بردن هر نوع حرث و نسل اعم از حیوانی و گیاهی و نباتی جزء مصادیق این آیه است و افساد محسوب می شود و می توان حکم حرمت فقهی برای آن صادر کرد. چنان طوری که با استناد به کلام (إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) چنین فسادی مبعوض خداوند است، بیان چنین حکمی آسان می نماید و می توان نتیجه گرفت که افساد در زمین مطلقاً حرام است.

دوم، وجوب حفظ توازن در طبیعت

این حقیقت در برخی از آیات یادآوری شده است:

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ ۱۴

خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است!

و الْأَرْضَ مَدَدْنَا وَ آتَيْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ وَ أُنَبِّتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعْيَشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛ ۱۵

و زمین را گسترده کردیم و در آن کوه های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون، در آن رویانیدیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، همچنین برای کسانی که شما نمی توانید به آنها روزی دهید! و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی کنیم!

براساس این آیات، اراده خداوند بر حفظ توازن و هماهنگی در نظام خلقت بوده و به همین دلیل خداوند نیز از انسان خواسته است تا توازن را پاس بدارد و آن را با عملکردش به هم زند.

از آنجا که اراده تکوینی با اراده تشریحی خداوند هماهنگ است، می توان استنباط کرد هر رفتاری که موجب بر هم زدن طبیعت باشد عدم هماهنگی بین اراده تکوینی و تشریحی را به همراه دارد. لذا به موجب این ناهماهنگی می توان حکم فقهی مصادیق آن را در قالب حرمت و کراهت بیان داشت.

سوم، قاعده لاضرر

گرچه درباره قاعده (لاضرر) سخن بسیار رفته و احتمال های گوناگونی مطرح شده، هریک از آنها معنای اصلی قاعده را که بر عدم مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام دلالت می کند، وسعت می بخشد. این قاعده که در مسئله حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی استواری برای قانون گذاری و اجرای قانون به شمار می رود. و بنابر آن هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست محیطی را می توان در قالب قاعده (لاضرر) بررسی کرد، مانند:

- بیرون ریختن زباله ها به خصوص زباله هایی که تجزیه نمی پذیرند ؛

- بهره برداری غیر مجاز از جنگل ها و حریم دریاها که در جریان سیل و دیگر مشکلات زیست محیطی تأثیری بسزا دارد ؛

- اشغال خیابان و پیاده رو توسط مغازه داران، فروشندگان و دیگران ;

- استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه های غیر استاندارد ;

- ایجاد آلودگی صوتی به وسیله مجالس جشن و عروسی، بوق زدن های بی جای اتومبیل ها، سروصدای غیر طبیعی، حتی صدای بلندگوی مساجد و هیئت های مذهبی. ۱۶

چهارم. قاعده عدالت

عدالت ناموس بزرگ الهی است و مدار آفرینش نظام تکوین و پیدایی نظام تشریح بوده است. در قرآن آمده است:

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ ۱۷

و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید!

پیامبر اکرم(ص) در ذیل این آیه، فرمود:

بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ ۱۸

استواری آسمانها و زمین به عدل و داد است.

عدل در نظام هستی به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب خود است و عدالت آن است که حق هر موجودی، چنان که شایسته اوست، ادا شود؛ (اعطاء كل ذي حق حقه) و رکن رکن عالم هستی به شمار می آید. لذا به منظور حفظ این رکن، خداوند متعال انسان را به برپایی عدالت سفارش می کند و پیامبران خود را نیز به همین منظور برای انسان ها فرستاده است. عدالت اقتضا می کند که تصرفات انسان در محیط اطراف خود تصرفات ظالمانه نباشد و حقوق امت های آینده را در نظر بگیرد. چنان که حقوق سایر هم نوعان خود را در تمام اطراف عالم در نظر داشته باشد.

نکته اول: طبق آیات و روایات بر هر فردی واجب است در رفتار و منش خود اصل عدل و انصاف را رعایت کند و برای رسیدن به قله های عدالت، انصاف در بهره مندی از طبیعت خدادادی طرف انصاف را بگیرد و همان گونه با محیط اطراف خود و نعمت های الهی برخورد کند که دوست دارد آن گونه با او رفتار شود ;

نکته دوم: همان طور که احکام دین اسلام جهانی و جاودانه بوده، شامل انسان هایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته اند نیز می شود. برخورداری از مواهب طبیعی نیز به یک نسل اختصاص ندارد، یعنی افزون بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی نیز جایگاه خود را دارد. بر این اساس، هرگونه استفاده ای از منابع طبیعی که به نابودی آنها بینجامد یا سبب آلوده سازی محیط زیست شود و زندگی را برای دیگر انسان ها مشکل سازد، به دور از عدالت و مخالف انصاف است و از نظر منطبق اسلامی ممنوع و ضمان آور است.

پنجم. قاعده (من له الغنم)

بنابر روایاتی که در باب رهن رسیده، قاعده (من له الغنم فله الغرم) استفاده می شود. همچنین روایت نبوی مشهور (الخراج بالضمآن) ۱۹ بر آن دلالت دارد. ۲۰ طبق این قاعده هر که از چیزی فایده می برد باید جبران خسارات آن را بر عهده گیرد.

بر اساس این اصل، هر فردی که از فعالیتی بهره مند می شود، باید خسارت های ناشی از آن را نیز بپذیرد. بنابراین از آنجا که بهره برداران از محیط زیست، از جمله احداث کنندگان تأسیسات و کارخانه ها که به نوعی با بهره مندی از منابع طبیعی به تولید محصولات می پردازند، مشمول این حکم از ضمانت

شرعی هستند، مکلف به جبران مافات می شوند و برای جبران ضرورت دارد که حکومت اسلامی قوانینی برای این ضمان ها وضع و با ابزار حکومتی رفتار کند. فقیهان نیز باید با شناسایی موضوع حکم ضمان چنین افرادی را بیان کنند.

ششم. تضایف حق و تکلیف

مقصود از حق در اینجا حق در برابر تکلیف است؛ چیزی که به نفع فرد و بر عهده دیگران است و تکلیف، چیزی است که بر عهده فرد است و به نفع دیگران. به بیان دیگر، حق برای فرد حق گزار و حق طلب و تکلیف برای فرد مکلف است.

درباره مسئله حق و تکلیف، دانشمندان اسلامی مباحث بسیاری درافکنده اند و آثاری مستقل و ارزشمند را به آن اختصاص داده اند. علامه در قواعد (کتاب النکاح)، محقق قمی در جامع الشتات (کتاب الطلاق)، صاحب جواهر در کتاب النکاح، شیخ انصاری در کتاب البیع به آن پرداخته اند و نیز شیخ هادی تهرانی (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ق)، سیدمحمد آل بحر العلوم (۱۲۶۱-۱۳۲۶ ق)، میرمحمدتقی مدرس اصفهانی (۱۲۷۶-۱۳۳۳ ق) و شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۱ ق) رساله مستقلی در این زمینه به یادگار گذاشته اند.

طبق این اصل حق و تکلیف به منزله دو روی یک سکه اند، به گونه ای که هر کجا فقه حقوقی را برای کسی تعریف می کند، در کنار آن تکلیف و بایسته هایی را نیز تبیین کرده است. به عبارت دیگر، حق بدون تکلیف فرض پذیر نیست و وجود تکلیف نیز بدون وجود حق تصور نمی پذیرد.

با توجه به این اصل که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را داده، این حق برای همه انسان ها و در همه زمان ها وجود دارد. خداوند متعال این اصل مسلم را در قرآن کریم تصریح نموده است:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ ۲۲

او خدایی است که همه آنچه را [از نعمت ها] در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ ۲۳

زمین را برای خلائق آفرید.

بر مبنای این آیه، زمین و محیط زیست حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره مند شوند. بنابراین استفاده از این حق باید به گونه ای باشد که امکان استفاده و بهره برداری از آن برای نسل حاضر و نسل های آینده حفظ شود.

در قرآن کریم، همان طور که حق بهره برداری از محیط زیست و طبیعت برای انسان ذکر شده، مسئولیت و تکلیف عمران و آبادانی زمین نیز بر عهده او گذاشته شده است.

هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ ۲۴

اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.

بنابر این آیه محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان بوده و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است. واگذاری عمران و آبادانی زمین بر عهده انسان در این آیه جالب توجه است. پس انسان مسئولیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد ۲۵ و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود؛ همان گونه که در آیه ای دیگر به صراحت از فساد در زمین نهی فرموده است:

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ ۲۶

و بر روی زمین، بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکنید.

بنابراین انسان ها با وجود اینکه حق استفاده از محیط زیست را دارا هستند، باید این حق را برای دیگران نیز قائل باشند تا مبادا با سوء استفاده از حق خود، حق دیگران را در بهره مندی از محیط زیست سالم پایمال کنند.

چنان که مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

تخریب محیط زیست معلول نابرابری های اجتماعی و استفاده غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضييع حقوق انسان هاست... نگاه اسلام به طبیعت و محیط اعم از جان دار و بی جان عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت گرانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز برپایه اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه نسل ها از نعمت های الهی و ایجاد جامعه ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است. ۲۷

۲۰. مقررات خاص

ظرفیت هایی بسیار در آیات و روایات اسلامی درباره مقررات خاص وجود دارد، به گونه ای که می توان از آنها در زمینه های مختلف محیط زیست از جمله آب، هوا، خاک و رشد و نمو حیوانات و نباتات و پایداری نسل ها... موارد بسیار کمک گرفت. در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

یکم. آلوده کردن محیط زیست

اسلام انسان ها را در برابر زیستگاه خود مسئول شناخته است. در عبارتی از سخنان امام علی(ع) آمده است:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبُقَاعِ وَالْبِهَائِمِ؛ ۲۸

بترسید از خدا در مورد بندگان او و سرزمین هایشان، شما در مورد زمین ها و چهارپایان نیز مسئول هستید.

پیامبر اسلام(ص) از آلوده کردن حتی سرزمین مشرکان نیز نهی می فرمود:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَلْقَى السُّمَّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛ ۲۹

رسول خدا(ص) از آلوده کردن سرزمین مشرکین به سموم نهی فرموده اند.

بنابر این بیان از تخریب و آسیب به محیط زیست مردم و بلاد مختلف اعم از زمین ها و ساختمان ها و چهارپایان نهی شده است و این گونه نهی ها، اطلاق در حرمت دارد، مگر آنکه دلیلی بر کراهت آنها باشد.

در اسلام از آلودن محیط بسیار نهی کرده است. نجس کننده ها از عوامل آلوده کننده، به شمار می روند، که مؤمنان باید از آن بپرهیزند.

روایات از نجس کردن محیط زندگی نهی کرده اند؛ مکان هایی چون اطراف مساجد، کنار رودخانه ها، باغ های میوه و زیر درختان میوه، جلو و اطراف خانه های مردم، گذرگاه ها و ادار کردن داخل آب های جاری و ایستاده. ۳۰

دوم. اسراف و تبذیر

در معنای کلی به هر گونه تجاوز از حد و اندازه (اسراف) گفته می شود، اما غالباً این کلمه در خصوص مصرف و هزینه ها به کار می رود. تبذیر نیز به معنای ریخت و پاش است.

خداوند متعال در قرآن کریم بارها از اسراف برحذر داشته است:

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ۳۱

و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

روایات بسیاری نیز، مؤمنان را از اسراف کردن برحذر داشته اند.

ابان بن تغلب در روایتی می گوید روزی امام صادق فرمود:

أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)... وَلَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعَ وَجَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصِداً وَيَشْرَبُوا قَصِداً وَيَلْبَسُوا قَصِداً وَيَنْكَحُوا قَصِداً وَيَرْكَبُوا قَصِداً وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَلْمُوا بِهِ شَعْنَهُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلالاً وَيَشْرَبُ حَلالاً وَيَرْكَبُ وَيَنْكِحُ حَلالاً وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَاماً؛ ۳۲

اموال همه از آن خداست که در نزد ما انسان ها ودیعه گذاشته شده است و اجازه تصرف در آنها به شرطی به انسان داده شده است که بخورند، بنوشند، بپوشند ازدواج کنند و سوار بر مرکب ها شوند اما مقتصدانه و معتدلانه، و مازاد نیاز را به فقرا دهند، مقداری را نیز برای اصلاح امور زندگی و حل مشکلات ذخیره کنند. بنابراین هرکس چنین کند همه آنچه خورده و نوشیده و سوار شده و ازدواج کرده بر او حلال خواهد بود، در غیر این صورت بر او حرام می شود.

در حدیث آمده است پیامبر از راهی عبور می کرد که یکی از یارانش بنام سعد را دید. او مشغول وضو گرفتن بود و آب زیاد می ریخت. حضرت فرمود: چرا اسراف می کنی ای سعد؟ عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟ فرمود:

نَعَمْ وَإِنْ كُنْتَ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ؛ ۳۳

آری هرچند در کنار نهر جاری باشی.

در روایت آمده است حضرت علی(ع) کودکانی را دیدند که میوه را نیم خورده دور می ریختند. حضرت آنان را بازخواست کرد که:

سُبْحَانَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يَسْتَعْنُوا أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؛ ۳۴

اگر شما سیر شده اید مردمانی هستند که نیازمندند پس به کسانی که نیاز دارند بدهید.

امام صادق(ع) فرمود:

أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ وَابْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَالْقَاءُ النَّوَى؛ ۳۵

کمترین اندازه اسراف عبارت است از دور ریختن آب باقی مانده در ظرف، بخشیدن لباسی که برای پوشش مورد نیاز است و به دور انداختن هسته میوه.

سوم. ضرر رساندن به نفس

قرآن کریم از تضعیف و ضرر رساندن به بدن نهی فرموده است:

وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ ۳۶

خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید.

از دستوره‌های مهم اسلام حفظ و حراست از سلامتی بدن است که بدین منظور در زمینه‌های مختلف، از خوردن، خوابیدن و پوشیدن گرفته تا کار و فعالیت، آداب و برنامه‌هایی برای انسان آورده که رعایت آنها در رشد و سلامتی و بالندگی جسمی و طول عمر انسان‌ها و بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌های خدادادی تأثیر حیاتی دارد و همه اینها وابسته به محیطی سالم و عاری از هرگونه آلودگی است.

چهارم. حیوانات

برانگیخته شدن حیوانات در روز قیامت، از جمله مسائلی است که قرآن کریم بدان اشاره کرده است:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ؛ ۳۷

هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای نیست که با دو بال خود پرواز می‌کند مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فرو گذار نکردیم، سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند.

مرحوم طبرسی درباره آیه پیشین می‌نویسد: مراد خداوند این است که حیوانات نیز روز قیامت محشور ۳۸ می‌شوند و به حقوق خود می‌رسند همان طور که در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

يُقْتَصُّ لِلْجَمَاءِ مِنَ الْقَرْنَآءِ؛ ۳۹

حیوان شاخ دار در مقابل بی‌شاخ قصاص می‌شود.

در آموزه‌های دین، حقوق حیوانات نیز در نظر گرفته شده است. برای مثال هر گاه مصرف آب برای وضو یا غسل سبب شود در پی آن حیوانی از بی‌آبی تلف شود، آب را به حیوان بدهید و تیمم کنید.

از نظر اسلام حیوانات از حقوقی برخوردارند، خصوصاً حیواناتی که انسان به گونه مستقیم با آنها در ارتباط است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) شش حق برای چهارپایان بیان شده است:

لِلدَّابَّةِ عَلَىٰ صَاحِبِهَا خِصَالٌ سِتٌّ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ يَعْضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَ لَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَ لَا يَقِفُ عَلَىٰ ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَ لَا يُكْلَفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ. ۴۰

- هر کجا وارد شدید اول به فکر خوراک آن باشید ;

- هرگاه به آب رسیدید، آب را به آن عرضه کنید ;

- به صورت حیوان نزنید؛ زیرا حیوان تسبیح خدا می‌گوید ;

- تنها در راه خدا بر پشت آن سوار شوید ;

- بر پشت حیوان بیش از حد توانش، بار نگذارید ;

- حیوان را به پیمودن مسیرهایی که در حد توانش نیست، وادار نکنید.

موارد یاد شده تنها درباره حیوانات باربر است. در خصوص حیوانات وحشی و اهلی دیگر در روایات معصومان (ع) موارد زیادی از حقوق حیوانات ذکر شده است.

در اسلام از آزار و اذیت مخلوقات الهی به شدت نهی شده تا جایی که برای آزار حیوانات مجازات های اخروی در نظر گرفته شده و انسان ها به بردباری در برابر نافرمانی های حیوانات و آزار ندادن آنها تشویق شده اند. همچنین در برابر اذیت و آزاری که از حیوانات بدان ها می رسد شکیبایی می ورزند، وعده پاداش داده شده است.

پیامبر اکرم(ص) در حدیثی از تحریک حیوانات و به جان هم انداختن آنها نهی فرموده اند:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ تَحْرِيشِ الْبِهَائِمِ. ۴۱

کتاب ثواب الاعمال روایاتی از امامان(ع) درخصوص ثواب هایی ذکر کرده که خداوند برای نگاهداری و حفاظت از حیوانات به بندگان خود عطا می کند و گناهی را از او می بخشد. ۴۲

اسلام به جز در موارد خاص اجازه صید و شکار حیوانات را نمی دهد.

صید حیوانات هنگام عبادت حج و نیز در محدوده حرم مکه از محرمات شمرده شده، برای آن کفارہ نیز تعیین شده است.

پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

مَنْ قَتَلَ عَصْفُورًا عَبَثًا عَجَّ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَقُولُ يَا رَبِّ عَبْدُكَ قَتَلَنِي عَبَثًا وَلَمْ يَقْتُلْنِي لِمَنْفَعَةٍ. ۴۳

هر کس پرنده ای را بی جهت بکشد، پرنده روز قیامت به خدا شکایت می کند و می گوید خدایا بنده تو، مرا بیهوده کشت بدون اینکه از من فائده ای ببرد.

پنجم. نباتات

آبیاری درختان نیز براساس روایات اسلامی با سیراب کردن انسان تشنه ای برابری می کند. امام صادق(ع) در این زمینه فرموده اند:

مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمَاءٍ. ۴۴

هر کس درخت خرما یا سدر را آب دهد مانند آن است که مؤمن تشنه ای را سیراب کرده باشد.

مسئله مهم دیگری که امروز بیش از همه محیط زیست را به خطر انداخته، قطع درختان واز بین بردن مراتع و جنگل هاست. این عمل از نظر اسلام بسیار زشت و موجب عذاب الهی دانسته شده است. امام صادق(ع) به شدت از بریدن درختان نهی کرده فرموده است:

لَا تُقَطَّعُوا الشَّجَرَ فَيَصَبَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا. ۴۵

هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را بر شما فرود می آورد.

شاید در زمان امام صادق(ع) مردم از شنیدن این گونه گفتارها شگفت زده می شدند و دلیل آن را نمی دانستند، اما امروز که نقش درختان در پالایش هوا، کاهش آلودگی، بازدارندگی سیلاب ها، ایجاد نشاط روحی و بسیاری از فواید دیگر شناخته شده و درمقابل، آثار خطرناک و ویران کننده قطع و کاهش درختان و سرسبزی طبیعت آشکار شده، نقش حیاتی و زیست محیطی تأکید و هشدار امام(ع)، به خوبی روشن می شود.

جالب اینکه در سیره و گفتار بزرگان دین مشاهده می شود که علاوه بر مقابله با قطع درختان، در صورت لزوم قطع درختی، خود را به کاشت درختی دیگر به جای آن پایبند می دانستند. بنظری می گوید از امام رضا(ع) در مورد قطع درخت سدر پرسیدم که حضرت فرمود: امام موسی کاظم(ع) وقتی سدری را قطع کردند به جای آن درخت انگور کاشتند. ۴۶

نتیجه

با نگاهی گذرا به منابع فقهی پی می بریم که در فقه اسلامی ظرفیت های بسیاری برای قانون گذاری و اجرای قوانین محیط زیست وجود دارد که می توان با بهره برداری از این ظرفیت ها به پی ریزی قوانین اجتماعی براساس احکام اسلامی یاری رساند. همچنین، باید مکلفان با عنایت به احکام شریعت اسلامی خود را در معرض تکلیف حفاظت از محیط زیست و اجتناب از تخریب آن ببینند. افزون بر این براساس فقه اسلامی اگر فعالیت بخش دولتی و خصوصی در دریا، هوا، خاک و زمین موجب ایجاد عارضه و آسیب زیست محیطی گردد، آسیب رسان ضامن است و باید از عهده جبران خسارت های رسیده برآید و اگر این فعالیت به دولت و یا سازمان های دولتی به دلیل کوتاهی در نظارت و یا به دلیل سوء مدیریت و یا ضعف برنامه ریزی قابل انتقال باشد، از نظر فقهی مسئولیت به صورت تضامنی و یا به صورت جداگانه قابل طرح و پیگیری است و اساساً ضمانت درباره پدیدآورنده ایجاد عارضه است و هر کسی در این زمینه کوتاهی کرده باشد، خلافکار محسوب می شود و شرعاً ضامن است.

۱۰. آل عمران/ ۱۰۴.

۱۲. اعراف/ ۱۹۹.

۱۳. المیزان، ج ۸، ص ۳۸۰.

۱۴. اعراف/ ۱۹۹.

۱۵. هود/ ۱۱۶.

۱۶. الاسراء/ ۷۰.

۱۷. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵، ج ۴.

۱۸. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۸.

۱۹. حلیة الأبرار، بحرانی، ج ۱، ص ۳۶۲.

۱۰. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۱۱. الاعراف/ ۸۵.

۱۲. بقره/ ۲۰۵.

۱۳. المیزان، ج ۲، ص ۹۶.

۱۴. طلاق/ ۳.

۱۵. حجر/ ۱۹- ۲۱.

۱۶. اخلاق زیست محیطی در اسلام، محسن عمیق وسید فضل الله حسینی، ص ۱۱۶.

۱۷. رحمن/ ۹- ۷.

۱۸. تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۰۷.

۱۹. عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ۱، ص ۵۷.

۲۰. حاشیه مکاسب، یزدی، ج ۲، ص ۵۶.

۲۱. ک: مقاله (مبانی کلامی حق و تکلیف)، جوادی آملی، فصل نامه اندیشه نوین دینی، شماره ۱، ص ۹.

۲۲. بقره/۲۹.

۲۳. الرحمن/۱۰.

۲۴. هود/۶۱.

۲۵. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۱۵۱.

۲۶. اعراف/۸۵.

۲۷. مقام معظم رهبری، پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست، روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۲۲.

۲۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۵۴۶.

۲۹. کافی، ج ۵، ص ۳۸.

۳۰. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۴.

۳۱. انعام/۱۴۱.

۳۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵.

۳۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳۴. بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۱۱۸.

۳۵. همان، ص ۱۰۳.

۳۶. بقره/۱۹۵.

۳۷. انعام/۳۸.

۳۸. درباره حشر حیوانات احتمالات مختلفی گزارش شده است. برخی از مفسران به حشر آنها معتقدند و برخی عقیده دارند که حیوانات چون تکلیف ندارند پس حشر هم ندارند و برخی نیز معتقدند که حشر حیوانات مختص آنهاست که مورد ظلم واقع شده اند و برای احقاق حق محشور می شوند. (ر. ک: المیزان، ج ۷، ص ۷۳).

۳۹. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۷.

۴۰. خصال، ج ۱، ص ۳۳۰؛ بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۰۱.

٤١. من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٦٠.

٤٢. ثواب الاعمال، ص ١٩٠.

٤٣. بحار الانوار، ج ٦١، ص ٣٠٦.

٤٤. همام، ج ٦٣، ص ١١٣، ح ٧.

٤٥. وسائل الشيعه، ج ١٩، ص ٣٩.

٤٦. بحار الانوار، ج ١٠٠، ص ٦٦٦، ح ١٢.